

جستاری کوتاه در تاریخ موجودیت کردان و نقش آنها در پایداری و استقلال ایران

ز خود رمیده چه داند ، نوای من ز کجاست
جهان او دگر است و جهان من دگر است
(اقبال)

مهندس حسین شاه اویسی

آنچه در این نوشتار بسیار مجمل می آید ، واقعیت های مستند تاریخی است ، تلاشی است در برابر اندیشه هایی که در درون خویشتن خویش دربرمانده ، هم آوا با بنیادهای آمریکایی ساخته ، به جان تار و پود هستی ماندگار این سرزمین افتاده و می گویند : « ایران » تنها یک واژه است که از روزگار پهلوی به این سرزمین تحمیل شده؟! و یا " فارس ها " سرزمین های دیگر ملت های ستمدیده را اشغال کرده اند؟! پس کردها ، بلوچها ، عربها باید جدا شوند؟!»

دراینکه تبعیض قومی ، جنسیتی و بی عدالتی و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی وجود دارد حرفی نیست ولی راه حل منطقی هم جداخواهی نیست . به باور من راه انتخابی اینان برای رفع این تبعیض ها به ترکستان است گریز بد امان بیگانه است و در راستای رضایت استعمار و برانگیختن ستیز قومی و به کژراهه کشاندن جنبش مدنی و مردم سالاری خواهی ایران ، به شور زار جنگ قومیت هاست . تا شاید از آب گل آلوده ماهی باب میل استعمار را صید کنند ولی بهتر است بدانند با همه نامرادیها و سختیها و تبعیض های موجود ، دیری است در کوچه های باور مردم درها بر روی هرزه گردان وابسته از هر قماش بسته است .

در آشفته بازار امروز جهان که جمعی ناآگاه ، جمعی مغرض ، جمعی بی تفاوت ، جمعی بد ستور ، جمعی خشک سر و جمعی... از کنار واقعیت های گذشته خود می گذرند ، باید به اندیشه ورزان گرایش های مختلف هشدار داد که به خود آیند و در کشاکش تلاش ملت برای مردم سالاری ، در راستای منافع بیگانه جبهه های دروغین و سنگرهای پوشالی برپاندارند که ایرانیان از همه اقوام از کنار این مواضع ساده عبور نمی کنند ، از این رو ، بر آنم دست کم به نوبه خود به عنوان یک ایرانی کرد به گذشته خود مراجعه کرده ، بگویم از کجا آمده ام و نیاکنم کیانند تا سر بلند بیان کنم برخلاف پاره سرایان دستوری به راستی ایران پیش از هر قومی ، سرای کردان بوده و هست . جمله ای است مشهور از **ملا مصطفی بازرانی** بزرگ مرد میدان های نبرد غیر کلاسیک که " هر کجا کرد هست ، آنجا ایران است . "

آنانکه کرد را متهم به جدایی خواهی می کنند و یا چنین هذیانی در سر دارند باید نخست در ایرانی بودن خود شک کنند و بر تاریخ چند هزار ساله خود خط بطلان بکشند و هم میهنان ایرانی به ویژه اقوام ایرانی بهتر است پیش از هر چیز مطالعه خود را نسبت به خود و چگونگی تشکیل ایران و ایرانیان ژرفتر کنند و تکلیف خود را با مدعیان دروغین تازه از راه رسیده به دور از غرض ورزی ها و تاثیر پذیری از بیگانه مغرض روشن کنند ، چرا که در ایران در صورت وجود جامعه پلورال گرایش های ایران گریزی از سوی کردها وجود نداشته و هیچگونه زمینه ای نخواهد داشت.

شوربختانه ، کردان را در ترکیه **ترک کوهی** می خوانند و در عراق کردان طی سالیان مبارزه ، پس از سقوط بعث سرانجام موجودیتشان به عنوان بخشی از کشور تازه تاسیس عراق رسمیت یافت ولی در ایران ، کردان همواره ، ایرانی و به راستی صاحبخانه بوده و هستند و چه جانفشانی هایی در راه استقلال و ماندگاری ایران نکرده اند .

اما چگونه ؟

در این جستار مجمل ، آثار بزرگان تاریخ را می خوانیم و به صدای رخدادهای تاریخ که از لابلای سنگ ها و سنگ نبشته های سده ها ، پژواک آوایش هنوز گوش جانهای جستجوگران این وادی را می نوازد که گوش فرا دهیم . داستان بزرگی ، شرف و زمزمه یگانگی ملی کارنامه پر غرور کردان در دفاع از سرزمین نیاکان خود است ، این مجمل ، زمزمه تاریخی ایران و چگونگی همبستگی ایرانیان است . دل آرامزایوه بیگانگان پرستان ، به قضاوت تاریخ بنشینیم که یادآوری آن ، امید را در همه ایرانیان زنده نگه می دارد تا پی نبریم که کجای جهان ایستاده ایم تا ندانیم نیاکان ما چه کسانی بودند ت ندانیم در کجای مختصات نظام سلطه ایستاده ایم شایسته ی ستم ها و سرشکستگی ها و دو دستگی ها هستیم.

در دوره های پیش از تاریخ ، **کرد و کردستان** در سرزمین گسترده ای که سرانجام به امپراتوری ماد نامبردار شد و سده ها بعد ، بخش هایی از آن سرزمین به نام کردستان مشهور گردید سرانجام طوایفی از کردان در دامنه های پر رمز و راز زاگرس سکنا گرفتند . از آثار به جای مانده از دوره باستان در می یابیم از قوم هایی که در شمال و دامنه های خاوری و باختری رشته کوه های زاگرس و سرزمین های خاوری و باختری دریاچه چیچست (ارومیه) همان سرزمین **آتروپاتکان** زندگی می کردند . امپراتوری بزرگ ماد تشکیل شد . **قوم ماد** متشکل از چندین طایفه بود که **دیاکو** نخستین فرمانروای کرد آنها را متحد کرد و دولت **ماد** را روی کار آورد . این نخستین دولت آریایی است که در سال 708 پیش از میلاد بنیان یافت . و 150 سال دوام کرد (17) این مردمان برای ثبت رخدادهای و آثار خود از خطی تصویری به نام **مادی سورات** که توسط **سورات** که از کردهای آن منطقه بود اختراع گردیده بود استفاده می شد که بعدها به خط میخی تغییر شکل یافت و ابتدا مادها و سپس با کامل تر کردن آن هخامنشیان آن را به کار می بردند .

دو تا سه هزار سال پیش از زایش مسیح (ع) پارس ها از شمال باختری و شمال خاوری دریای مازندران و هزاران سال پیش از آنها قوم هایی دیگر از همان راهها آمده و در این ناحیه ها سکنا گزیدند . در این دوره **مادها و پارس ها** به جنوب ایران کوچ کردن و در **پارس** و **استخر** کنونی دولتی تشکیل دادند زیر نفوذ حکومت مرکزی ماد و زبانشان ابتدا کردی مادی و رفته رفته تغییر یافت که ریشه ی زبان پارسی باستان شد .

" **مادها** به هنگام کوچ کردن های خود از **بخارا و سمرقند** گذشته و روبه جنوب ره گشودند و پس از رسیدن به پارس در آن سکونت اختیار کردند . " (1)

پارتها نیز از همین راه به خراسان کوچ کردند و از دیگر سوی گروههای بزرگ دیگری از همان قوم **ماد** همراه پارس ها از نواحی **مینسک و مسکو** و بخش های خاوری آن تا شمال دریای مازندران از راه قفقاز در باختر و شمال باختری ایران ساکن شده اند .

دیرینه ترین مادها **کاردوها** هستند که دو هزار سال پیشتر و در دامنه های **زاگرس** و **میان رودان** و **جنوب خاوری آسیای صغیر** سکونت پیدا کرده بودند . با گذشت زمان گروه های دیگری آمدند و به آنان ملحق شده در اثر آمیز گاری و ازدواج ، قوم بزرگ **کاردو** را در آن سرزمین تشکیل دادند . گروه های دیگری از ماد پس از آنها به سوی خراسان و جنوب بلخ کوچ کردند . **مادها** افزون بر **زاگرس** و **میان رودان** و **آسیای صغیر** ، همراه پارس ها در سرزمین جدید به هر سو رفته و در سراسر ایران نیز مستقر شده اند .

از آغاز تشکیل دولتهای ایرانی چه **مادها** ، چه **هخامنشیان** و سپس **اشکانیان** و **ساسانیان** برای همیشه در سراسر تاریخ و بعد از اسلام هم ، **کردان** را به خاطر جنگجویی و سوار کار بودن همراه لشکرکشی های شاهان هر زمان ، از سویی به سویی دیگر برای دفاع از مرزها گسیل نموده و در محل های تازه مقیم می گشتند .

پژوهشگران آلمانی مهاجرت بسیاری از طوایف را از پارس به سرزمین ماد چنین نوشته اند :

در قرن پنجم پیش از میلاد به علت لشکرکشی های شاهان هخامنشی به آسیای باختری ، بسیاری از طوایف صحرا نشین جنگجو از **پارس** و خاور ایران به بخش های باختری کوچانده شده اند . و این نقل و انتقال در تمام ادوار ایران باستان ادامه داشته است . از آن جمله از قوم بزرگ **سیرتی** ، نخستین طایفه ای که به سوی باختر انتقال داده شدند ، قبایلی بودند به نام **آزاکارتیا** که نخست در خاور فارس سکنا داشتند که توسط " **هوخشتره** " (**سیاکسار**) پادشاه ماد در دوره ی سلطنت آشوربه سرزمین ماد گسیل شدند که " **هوخشتره** " به یاری آنان دولت **آشور** را منقرض کرد و **نینوا** را تصرف نمود . همین قوم **آزاکارتیا** در دوره ی **کوروش بزرگ** در سده های پنجم و ششم پیش از میلاد به نواحی مرتفع یعنی **ارپیل** قدیم کوچ کردند .

داریوش بعضی از سران قوم **آزاکارتیا** را به پایتخت خود آورد که در نقش های سنگ برجسته بیستون قیافه و هیكل امیر آن قوم با لباس و هیات کردهای امروزی دیده می شود .

- پراکندگی کردان در گستره ایران :

مهاجرت اقوام ایرانی کرد از خاور به باختر تدریجی بوده و این اقوام پس از مدتی جدایی از یکدیگر باز در کوهستان های زاگرس و سواحل دجله به هم رسیده اند و چون در نژاد و اخلاق و آداب ایرانی متحد بودند آمیزش و اختلاط آنها با یکدیگر به سهولت انجام پذیرفت و رفته رفته کلمه " کردو " که نام نخستین طایفه مهاجر ایرانی یا نام کوهستان های باختر بود به تمامی قبایل ساکن آنجا اطلاق شد . (2)

در فارس که گاهواره ساسانیان است از روزگاران کهن ، تیره های گوناگون آریایی نژاد می زیسته اند که کردها هم یکی از آنان بوده اند . استرابون جغرافی نگار نامدار یونان باستان از 5 گروه از مردم پارس نام می برد و می گوید : " گروه های گوناگون که در پارس می زیستند " پاتیشخوار " ، " هخامنشی ها " ، " مجوس ها " ، " کورتی ها " و " مردها " می باشند که سه گروه آخری ماد و کرد هستند . (3)

" در زمان هخامنشیان در میان طوایف چادرنشین فارس به نام کرد برمی خوریم . در دوره ساسانیان شمار زیادی کردها در نواحی مرکزی ایران می زیسته اند و طایفه های دیگر از کردان در اطراف دریاچه نیریز تا کرمان و از آنجا تا اطراف بوشهر هم بوده اند . منابع تاریخی از آن جمله سعید نفیسی به ما می گوید که ساسانیان اصلاً کرد بوده اند . (4)

بر خلاف ملت ایران استعمار در یک صد سال اخیر همواره کوشیده است به ترفند و دسیسه های ظاهر فریب ، کردان را جدا از دیگر ایرانیان بنمایاند یا وادارد ، در حالی که کردان مردمی جدا از مادها و پارس ها نبوده و نیستند و جایگاهشان سراسر ایران است . (5)

امروز نیز کردها که در جاهای دنیا پراکنده اند هر جا که باشند مردمی ایرانی اند با منشی به مثابه درفش کاوه در اهتزاز خواه در روزی لبنان ، خواه کردهای گولان در سوریه و خواه در عراق ، خواه ترکیه و روسیه و حتا در افغانستان ، پاکستان ، هندوستان . در لوک از دهستانهای فعلی افغانستان ، کردها سکونت داشته اند و در کتاب کردان گوران آمده است در دوران باستان و بعد از اسلام در خاور ایران ، افغانستان ، سیستان و خراسان قبایل بسیاری از کردها بوده اند . (6)

مردم ایران از هر قوم و تیره در تمامی تاریخ در برابر هر دشمن خارجی با همدستی و یگانگی یکدیگر از مرز و بوم خود دفاع کرده اند . به ویژه قوم ماد یا کردان که بیش از دیگر اقوام ایرانی در معرض هجوم و موقعیت دفاع قرار می گرفته اند . به همین علت است که کردان و تاریخ نویسان کرد ؛ نقش خود را در دفاع از میهن در آینه گزارشهای حماسی شاهنامه فردوسی می بینند و جنگ های پادشاهان و پهلوانان شاهنامه را جنگ های کردان با انیران و اهریمنان می خوانند و می نویسند : پیشدادیان کرد بودند ، کیانیان کرد بودند ، کاوه آهنگر که بر ضحاک شورید کرد بود ، خاندان سام و زال و رستم ، کرد بودند که از غرب با ایل و تیره خود برای پاسداری از مرزهای شرقی کشور گسیل شده اند و خاندان میلاد و خاندان گیو و گودرز نیز همینطور .

به نوشته تمام محققان و مورخان ، کردان در دوره هر یک از چهار سلسله در ارتش های ایران دلیرترین جنگاوران و سربازان را تشکیل می داده اند .

حکیم اله توحیدی (اوغازی) می نویسد به شهادت تاریخ کردها از قدیمی ترین آریایی هایی هستند که در سرزمین آسیا اسکان یافته و نام مقدس ایران را که به معنای پرستشگاه است بر آن سرزمین نهادند و نخستین حکومت منظم جهان آن روز را تحت عنوان ماد تشکیل دادند و با دولت مقتدر و متجاوز آن روزگار به مقابله برخاسته و از حریم ایران دفاع کرده اند و در تمام این فداکاریها و مبارزه ها همواره یک هدف را دنبال می کرده اند و آن حفظ استقلال ایران بوده است . (7)

اگر در دو قرن اخیر بخش بزرگی از مناطق کردنشین که قسمتهایی از خاک ایران بوده و هست به سبب بی کفایتی سلاطین و زمامداران وقت به وسیله استعمارگران شرق و غرب پاره پاره شده ، در عوض مهر و دلبستگی کردان به ایران از یادها نرفته است . جدا ماندن سرزمین های کرد از مام وطن دلیل آن نیست که کردان در آن نواحی ایرانی بودن خود را فراموش کنند ، بلکه همه آنها در هر کجا که هستند با عمال و دست نشانندگان استعمارگران در نبردند در عراق و ترکیه ... رشادت ها و قهرمانی های فرزندان کرد در تاریخ ما به افتخار است " دست های بریده قهرمانانی چون سارو بیره در جنگ چالدران که دست چپش بر پیکرش آویزان بود و همچنان با دشمن می جنگید و امیر خان برادوست (له پ زرین) در آذربایجان و یا قلب شکافته شده جه جوغان در خراسان همه و همه نمونه هایی است بر جانبازی دلاوران کرد در راه استقلال ایران است . " (8)

از قول **گزنفون** درباره کردان ساکن زاگرس در ارتش هخامنشیان که با لشکریان در حال عقب نشینی یونان جنگ و ستیز می کردند بسیار سخن رفته است. از زبان **فردوسی** و **استرابون** جغرافی دان یونان باستان و **اراتسن** دبیر **اسکندر** و همچنین از زبان **مارکوارت** خاورشناس آلمانی درباره بسیاری طوایف مختلف آریایی نژاد اقلیم فارس که کردان بخش عظیمی از آن بودند و لشکریان کرد جنگجوی مقیم پارس سید محمد باقر نجفی در مقدمه ای بر ترجمه کتاب **کردان گوران** می نویسد که:

تنها محدوده ای در غرب ایران محل سکونت کردان نیست بلکه همه جای ایران را سرای کردان می داند. استخری جغرافی دان بنام در 340 هجری نوشته است:

کردان فارس در سرزمین فارس بیش از صد طایفه هستند و من سی و اند طایفه را از جمله **خسروی شاهکاتیه**، **استا مهریه**، **آذرکاتیه**، **بنداد مهریه**، **راماتیه**، **مهرکیه**، **شاهدیه** و ... نام می برم که همه نامها برخاسته از هویت فرهنگی ایران است. (9)

یا دکتر **جواد صفی نژاد** استاد جامعه شناسی عشایری می نویسد:

"کردان فارس" نامی است که جغرافی نویسان دوران اسلامی به عشایر فارس داده اند. یا در 375 هجری در «**احسن التقاسیم فی معرفته الاقالیم**» نوشته سی و سه ایل کرد در فارسند که هر یک پانصد خانوار هستند. (10)

ابن **خلکان** در کتاب «**وفیات الاعیان**» در قرن دوم هجری در خراسان خبر می دهد که "ابوالقاسم خراسانی از زمره کردان و از میان کردان خراسان قیام کرده است." (11)

ملک الشعرای بهار شاعر و نویسنده اندیشمند نام آشنا در تعریف «**بسام کرد**» در **دربار یعقوب لیث** می نویسد که او نخستین شاعر کرد و دومین یا سومین فارسی سرای ایران است که به فارسی شعر سروده است. (12)

و یا باستانی پاریزی به نقل از کتاب **طبری «الرسل و الملوک»** می نویسد در دوره **یعقوب لیث**، رئیس عشایر فارس **احمد بن لیث کردی** بود. (13)

رشید یاسمی در ذیل «**دیلمیان و اکراد**» می نویسد در سال 380 هجری **فولاد بن منذر** با جماعتی فراوان از سواران و دلاوران کرد از شیراز برخاست. **مصمص الدوله** امیر دیلمی از بیم جان شیراز را ترک و به **فخرالدوله** پناه برد. و **کردان سیراف** و **مهتر آنان** به نام راشدی، **والی خلیفه را طی جنگی شکست داده** و او را به اسیری به حضور **یعقوب بردند**. (14)

شاه عباس اول چهل هزار خانواده از ایل **چشمیگزک** را که چند سالی در ورامین سکونت داشتند به خراسان کوچاند، بخشی از آنها در **چناران** سکونت گزیدند به **کیوانلو** و دسته هایی که در قوچان و شیروان اسکان یافتند به **زعفرانلو** مشهور شدند و دسته سوم به عنوان **شادلو** حوالی **بجنورد** را برای سکونت اختیار کردند. (15)

امیر شرف خان بدلیسی مناطق زندگی کردان را در کنار دریای **هرمز**، **خلیج فارس** تا **سواحل دریای هند** و از آنجا به ولایت **ملاطیه** و سپس ولایات **فارس** و **نواحی مرکزی ایران** و **آذربایجان**، **ارمن صغرا** و **ارمن کبیرا** و طرف جنوب آن **موصل** و **دیار بکر** نوشته است. (16)

و از قول **ابن بلخی پروفیسور لمتون** در تاریخ ایلات ایران می نویسد: **کردان زیدگان لشکر ساسانی بودند.**

احمد کسروی می نویسد: پیش از صفوی هیچ شاعر ترک گویی در آذربایجان پیدا نشد چون زبان فارسی در آنجا زبان نوشتار و گفتار بود و همگی مردم هر آن که ماد و آریایی تبار بودند به زبان پهلوی آذری گفتگو می کردند که همانند لری و کردی بود. (18) **در تاریخ عالم آرای عباسی می خوانیم که ایرانیان قدیم لفظ دیلم را بر کردان تبرستان اطلاق می کردند.** (19)

ابوریحان بیرونی می نویسد که **ظاهریان**، **صفاریان** و **سامانیان** از نوادگان **بهرام چوبینه** هستند که محققین کرد او را کرد می دانند. همینطور **ایوبیان** که سر سلسله آنها **صلاح الدین ایوبی** که در سیاست و شجاعت و کاردانی قهرمان دوران و در جنگهای صلیبی افتخارات و پیروزیهای بزرگی برای جهان اسلام به دست آورد نیز از **کردان** بود.

دکتر عزیز ژیان می نویسد: دو دولت مقتدر صفوی و عثمانی قریب 300 سال گاه و بی گاه با هم در جنگ بودند. کردها نژاد مشترک ایرانی ها همواره متحد ایرانیان بوده اند. (20)

و یا **علی اصغر شمیم** می نویسد: **شاه عباس** مرزهای باختری ایران را به **رود دجله** رساند و به مرزهای طبیعی خود رسید و تمامی نواحی کردنشین در داخل حدود کشور قرار گرفت و اقوام کرد همه وقت و همه جا از حقوق خود و مرزهای ایران دفاع کردند. (21) و یا

تیمورخان حاکم اردلان با این که سلطان مراد عثمانی به او عنوان پشایی داده بود ولی هرگز از پشتیبانی به شاه اسماعیل دست برداشت . (22)

آنچه تقدیم شد بخش هایی بسیار مجمل از تاریخ مستند ایران بود و نقش جانبازی ها و فداکاری های کردان در ازای تاریخ این مرز و بوم در دفاع از استقلال مرزهای ایران زمین . آنانکه تاریخ نمی خوانند مجبور به تکرار آن هستند ولی ملت ایران کردان را از خود و کردان خود را از ملت بزرگ ایران می دانند . آنانکه جدا طلبی کردان را زمزمه می کنند باید در ایرانی بودن آنها شک کرد که یا نادانند یا مغرض و یا مامور .

نوشتارم را با جمله ای از نویسنده ی فرانسوی کنت دوگو بینو در کتاب تاملی درباره ایران به قلم سید جواد طباطبایی به پایان می برم :

« ایران ، ایران خواهد ماند و نخواهد مرد . ایران در نظر من چونان سنگ خارایی است که موج های دریا آن را به ژرفا رانده اند . انقلاب های جوی آن را به خشکی انداخته اند . رودی آن را با خود برده و فرسوده کرده است ، تیزی های آن را گرفته و خراش های بسیاری بر آن وارد آورده ، ولی "سنگ خارا" که پیوسته همان است که بود . اینک در اواسط دره ای بایر آرمیده است ، زمانی که اوضاع بر وفق مراد باشد ، آن سنگ خارا گردش را از سر خواهد گرفت .

« پاینده ایران بژی کرد »
شاد و پیروز باشید
حسین شاه اویسی